

تحلیل حقوقی نقش و عملکرد نهادهای حقوق بشری در تجاوز امریکا و رژیم صهیونی و همپیمانان آنان به ایران

تکمیل رسوایی مدعیان حقوق بشر



رسانه‌های ایران

در تاریخ ۱۳زوئن ۲۰۲۵ مصادف با ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ رژیم اشغالگر صهیونیستی با نقض صریح اصل منع توسل به زور مندرج در ماده ۲ منشور ملل متحد،^۱ سلسله‌ای از حملات هوایی را علیه خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. این اقدام که فاقد هر گونه مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد و بدون وجود شرایط احراز سازمان مشروع صورت گرفت، در زمره جرایم بین‌المللی

موضوع اساسنامه رم قرار می‌گیرد. در پی این تجاوز، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد^۲، اقدام به پاسخ متقابل کرد. در این میان، نقش و واکنش نهادهای حقوق بشری بین‌المللی در قبال این خاصمه، به ویژه در زمینه حمایت از غیرنظامیان، رعایت اصول حقوق بشر دوستانه و مستندسازی نقض‌ها مورد توجه و نقد جدی قرار گرفته است.

■ **چارچوب حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه**

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، به ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن، اصولی چون تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تناسب در استفاده از قوه قهریه و احتیاط در عملیات نظامی را بر طرفین مخاصمه الزام‌آور می‌داند. همچنین حقوق بشر بین‌المللی، حتی در زمان جنگ بر

حفظ کرامت انسانی، حق حیات و منع شکنجه تأکید دارد.

■ **تجاوز اولیه و نقض فاحش اصول بنیادین**

براساس گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل و گزارشگر ویژه حقوق بشر، حملات اولیه رژیم صهیونیستی منجر به کشته‌شدن صدها غیرنظامی از جمله زنان، کودکان و نیروهای امدادی شد. اهداف مورد حمله شامل بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، مدارس و حتی آسایشگاه کودکان اوتیسم بود که به صورتی آشکار نقض جدی اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به اهداف غیرنظامی محسوب می‌شود.

مطابق گزارش Human Rights Acti- sts، تا تاریخ ۱۸ ژوئن مقارن با ۲۸ خرداد، تعداد شهدا ۶۸۶ تن اعلام شد، با این حال بنا بر گزارش اخیر سخنگوی قوه قضائیه بیش از ۹۲۰ نفر در ایران به شهادت رسیدند که ۳۸ تن از آنان کودک و ۱۰۲ تن دیگر زنان غیرنظامی بودند. همچنین بیش از ۲ هزار نفر مجروح و میلیون‌ها نفر آواره شدند.

■ **واکنش نهادهای حقوق بشری: از بیانیه تا سکوت**

نهادهای چون کمیسارای عالی حقوق بشر، گزارشگر ویژه سازمان ملل و برخی سازمان‌های غیردولتی نظیر Human Rights Watch و Human Rights Activists، با صدور

بیانیه‌هایی خواستار توقف فوری خصومت‌ها و رعایت حقوق غیرنظامیان شدند. با این حال، عملکرد برخی دیگر از نهادهای شناخته شده، از جمله نهاد عفو بین‌الملل با انتقادات جدی مواجه شد. این سازمان در قبال حمله موشکی اسرائیل به بیمارستانی در ایران، واکنشی مبهم و تأخیری نشان داد و اعلام کرد که «در حال بررسی موضوع است.» این واکنش‌های گزینشی، شباهت عدم بی‌طرفی و تأثیرپذیری از منابع مالی و سیاسی را تقویت کرده و مشروعیت اخلاقی این نهادها را زیر سؤال برده است.

■ **انتظارات حقوقی از نهادهای حقوق بشری**

در چارچوب وظایف تعریف شده برای نهادهای حقوق بشری، انتظار می‌رفت که این نهادها نقش‌های صورت گرفته از سوی رژیم غاصب صهیونیستی را به صراحت و بدون ملاحظات سیاسی محکوم کنند، مستندسازی دقیق و مستقل از تلفات غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های حیاتی انجام دهند، خواستار تشکیل کمیسیون تحقیق بین‌المللی برای بررسی جنایات جنگی شوند و همچنین از اصل مسئولیت حمایت (R۲P) در قبال غیرنظامیان ایرانی دفاع کنند، اما هیچ یک از این انتظارات محقق نشد و حقوق بشر باز هم تجلی کاملی به خود نگرفت، با توجه به شواهد موجود می‌توان

مالکیت فکری، ثروتی نامرئی، اما حیاتی



داشته باشد مانند فرمول یک دارو که شرکت‌های داروسازی میلیاردها دلار صرف تحقیق برای ساخت یک دارو می‌کنند. بدون حمایت از اختراع، این سرمایه‌گذاری‌ها توجیه‌پذیر نبود.

■ **علائم تجاری (Trademark):** شامل نشان‌ها، لوگوها، اسم برندها و نمادهایی است که محصولات یا خدمات خاصی را از دیگران متمایز می‌کنند. مانند اپل، کوکاکولا، نایک و...

■ **اسرار تجاری (Trade Secret):** اطلاعاتی محرمانه و ارزشمند در کسب و کار که نباید در اختیار رقبا قرار گیرد؛ مانند فرمول کوکاکولا.

■ **از دیگر دلایل اهمیت حقوق مالکیت فکری** در وهله اول می‌توان تشویق به نوآوری و خلاقیت را نام برد، زمانی که فرد بدان تلاشش از نظر قانونی حمایت می‌شود، انگیزه بیشتری برای تولید دانش، هنر و فناوری دارد. از طرف دیگر این نوآوری منجر به افزایش رقابت سالم خواهد شد

حمایت از ایده‌ها باعث می‌شود شرکت‌ها به‌جای تقلید، به

۱- ماده ۲ منشور ملل متحد:

۱. سازمان ملل متحد بر پایه اصل برابری حاکمیتی همه اعضا استوار است.

۲. همه اعضا باید تعهدات خود را که طبق منشور پذیرفته‌اند با حسن نیت اجرا کنند.

۳. اعضا باید اختلافات بین‌المللی خود را از طریق وسایل مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کنند، به‌گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتند.

۴. همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور دیگر خودداری کنند، یا به هر نحو دیگری که با اهداف سازمان ملل ناسازگار باشد.

۵. اعضا باید در هر اقدامی که سازمان ملل طبق منشور انجام می‌دهد، همکاری کامل داشته باشند و از کمک به هر کشوری که هدف اقدامات پیشگیرانه یا اجرایی سازمان است، خودداری کنند.

۶ و ۷. این بندها به عدم مداخله سازمان در امور داخلی کشورها و محدودیت‌های صلاحیتی آن می‌پردازند، مگر در مواردی که تهدیدی علیه صلح بین‌المللی وجود داشته باشد.

۲- ماده ۵۱ منشور ملل متحد:

هیچ‌یک از مفاد این منشور به حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی از خود، در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل، لطمه‌ای وارد نمی‌کند، تا زمانی که شورای امنیت اقدام‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. اقدام‌هایی که اعضا در اعمال این حق دفاع از خود انجام می‌دهند، باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود و این اقدام‌ها به هیچ‌وجه بر اختیار و مسئولیت شورای امنیت در اتخاذ هر گونه اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری بداند، تأثیری نخواهد داشت.

۳- اصل «مسئولیت حمایت» یا – Respons (R۲P) to Protect (Bility): یک مفهوم نسبتاً نوین در حقوق بین‌الملل است که پس از فجایع انسانی مانند نسل‌کشی رواندا (۱۹۹۴) و کشتار بالکان شکل گرفت و در سال ۲۰۰۵ از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد.

■ **تعریف R۲P:**

اصل R۲P بیان می‌کند که حاکمیت یک کشور نه صرفاً یک حق، بلکه مسئولیتی است- مسئولیتی برای محافظت از مردم آن کشور در برابر چهار جنایت بزرگ:

- نسل‌کشی (Genocide)
- جنایت علیه بشریت (Crimes against humanity)
- جنایت جنگی (War crimes)
- پاکسازی قومی (Ethnic cleansing)
اگر یک دولت نتواند یا نخواهد از مردم خود در برابر این جنایات محافظت کند، جامعه بین‌المللی موظف است وارد عمل شود- ابتدا از طریق ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی و در صورت لزوم، حتی با مداخله نظامی

حتماً برات سؤال شده که:



تفاوت دادگاه و دادسرا چیست؟

تفاوت دادگاه و دادسرا ممکن است در ظاهر حقوقی و پیچیده به نظر برسد، اما با یک مثال ساده می‌توان آن را بهتر فهمید. فرض کنید شما رئیس‌جمهور یک کشور هستید و مردم هر روز نامه‌های زیادی برای شما ارسال می‌کنند: نظیر شکایت، درخواست، پیشنهاد، گزارش تخلف و... حال سؤال این است: «آیا وقت دارید همه این نامه‌ها را شخصاً بخوانید و به هر کدام پاسخ دهید؟» طبیعتاً نه. بنابراین یک مسئول ویژه تعیین می‌کنید تا به امور سطحی‌تر رسیدگی کند و به مردم اعلام می‌شود که از این به بعد، نامه‌های خود را به این مسئول بفرستند. مسئول مربوطه موظف است همه نامه‌ها را بخواند، مرتب کند، پرونده‌ها را تفکیک و موارد ساده و قابل حل را خودش پیگیری کند، اما اگر نامه‌ای بسیار مهم یا پیچیده بود و نیاز داشت که خود رئیس‌جمهور تصمیم‌نهایی را بگیرد، آن را برای شما می‌فرستد. در این مثال، رئیس‌جمهور همان دادگاه است و آن مسئول ویژه، دادسراست. دادسرا محلی است که در آن تحقیقات مقدماتی در مورد جرائم انجام می‌شود. وظیفه اصلی دادسرا بررسی شکایات، جمع‌آوری دلایل و تعیین این است که بررسی کند آیا جرم رخ داده است یا نه. اگر دادسرا به این نتیجه برسد که جرم به وقوع پیوسته و نیاز به رسیدگی قضایی دارد، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند تا قاضی درباره آن تصمیم بگیرد. به زبان ساده‌تر اگر دادسرا نباشد، قاضی‌ها فرصت و توان بررسی دقیق همه پرونده‌ها را ندارند. همانطور که رئیس‌جمهور بدون داشتن یک مسئول هماهنگ‌کننده، نمی‌تواند به تنهایی از عهده مطالعه هزاران نامه برآید. همچنین این تقسیم‌ وظایف به ما اطمینان می‌دهد که روند دادرسی با دقت و نظم پیش می‌رود و هر کسی به حق خود می‌رسد.

■ **دادسرا، خط مقدم پیگیری جرم**

دادسرا به نوعی خط مقدم دستگاه قضایی در مواجهه با جرائم است. زمانی که فردی شکایتی مطرح می‌کند یا گزارشی از یک جرم دریافت می‌شود، این دادسراست که قبل از هر چیز وارد عمل می‌شود. هدف از این مرحله صدور حکم نیست، بلکه روشن‌سازی حقیقت است. بازپرس و دادستان با بررسی مدارک و شنیدن صحبت‌های طرفین، سعی می‌کنند مشخص کنند که آیا جرم رخ داده یا تنها سوء تفاهمی در کار بوده است. مهم است بدانیم که نه بازپرس و نه دادستان، قاضی نیستند. آنها نمی‌توانند حکم صادر کنند، اما می‌توانند خواستار صدور قرار بازداشت، قرار تأمین، یا راجع پرونده به دادگاه شوند. اگر شکایتی به واسطاس نداشته باشد یا ادله کافی نباشد، دادسرا می‌تواند آن را بایگانی کند و این کار بسیاری از پرونده‌های بی‌چفت را از ورود به دادگاه بازمی‌دارد.

■ **بازپرس و دادستان چه نقشی در دادسرا دارند؟**

در دادسرا معمولاً دو مقام اصلی تحت عنوان دادستان و بازپرس وجود دارند. دادستان نماینده جامعه است که از طرف عموم مردم، تعقیب جرم را پیگیری می‌کند. بازپرس نیز مسئول جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات دقیق درباره جرم مظنون است. مثلاً اگر فردی از همسایه‌اش شکایتی مبنی بر تهدید و آسیب یا ضرب و جرح داشته باشد، در ابتدا باید به دادسرا مراجعه کند. در آنجا بازپرس با شاکای و متهم صحبت می‌کند، ممکن است شاهدان را احضار کند، مدارک را بررسی کند و در نهایت تصمیم بگیرد که پرونده ارزش ارسال به دادگاه دارد یا خیر. بنابراین دادسرا با کمک دادستان و بازپرس وظیفه تحقیق، پیگیری و آماده‌سازی پرونده را بر عهده دارد؛ مانند مسئولی که نامه‌ها را بررسی و طبقه‌بندی می‌کند.

■ **دادگاه، مرجع بی‌طرف برای صدور حکم**

دادگاه جایی است که قاضی، به عنوان مرجع بی‌طرف، با آراءش و دقت به پرونده‌ها رسیدگی می‌کند. قاضی موظف است صرفاً بر اساس مدارک و شواهد تصمیم بگیرد، بدون آنکه از قبل ذهنیتی داشته باشد. در دادگاه هم شاکای می‌تواند صحبت کند هم متهم و حتی و کلا می‌توانند ادله و دفاعیات خود را بیان کنند. در نهایت، این قاضی است که رأی نهایی را صادر می‌کند. به‌طور معمول، دادگاه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: کیفری، حقوقی و خانواده. هر کدام بر اساس نوع موضوع، روند و تشریفات خاص خود را دارند. اگر دادسرا به موضوعی کیفری رسیدگی کند «مثلاً سرقت یا ضرب و جرح» پرونده را به دادگاه کیفری می‌فرستد، اما اگر موضوع حقوقی باشد «مثل اختلاف مالی یا قرارداد» مستقیماً در دادگاه حقوقی بررسی می‌شود.

■ **تصمیم نهایی درد دادگاه با چه کسی است؟**

پس از وقوع جرم و لزوم رسیدگی دادگاه، دادگاه رأی نهایی را صادر می‌کند. همانطور که گفتیم «قاضی که در این مرحله حضور دارد و با بررسی مدارک، شهادت‌ها و دفاعیات، حکمی بر حسب قانون صادر و تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند. حکم صادر شده لازم‌الاجراست و ممکن است شامل مجازات، تیره، پرداخت غرامت یا دستورات دیگر باشد. بنابر این هر پرونده‌ای که به دادگاه می‌رود لاجرم نباید منتهی به مجازات شود.

■ **اهمیت تفکیک نقش‌ها**

تفکیک وظایف بین دادسرا و دادگاه در رسیدن به عدالت و نظم در رسیدگی تأثیر بسیاری دارد. اگر تمام امور به عهده دادگاه بود، قاضی‌ها نه تنها باید حکم می‌دادند، بلکه خودشان باید شاکای و متهم را دعوت می‌کردند، مدارک جمع می‌کردند، تحقیقات می‌کردند و... این حجم کار نه تنها سرعت را کاهش می‌داد، بلکه ممکن بود باعث اشتباهات جدی و ناعادلانه شود. همانطور که هیچ رئیس‌جمهوری خودش نامه‌ها را باز نمی‌کند، هیچ قاضی‌ای نیز بدون مرحله مقدماتی نباید مستقیماً به صدور حکم بپردازد.

■ **گام به گام تا رسیدن به عدالت**

پس بنابر این دانستیم که فرآیند رسیدگی به یک شکایت معمولاً با ثبت آن در دادسرا آغاز می‌شود. سپس بر حسب نوع پرونده، بازپرس یا دادستان وارد عمل می‌شوند و تحقیقات لازم را انجام می‌دهند. پس از جمع‌بندی، پرونده به دادگاه فرستاده می‌شود. قاضی دادگاه با بررسی همه زوایا، تصمیم می‌گیرد که مجازات لازم چیست، یا اینکه فرد بی‌گناه است. در این مسیر، هر نهاد نقش منحصربه‌فردی دارد که مکمل دیگری است. اگر دادسرا به‌خوبی کار خود را انجام ندهد، دادگاه نمی‌تواند تصمیم درستی بگیرد و اگر دادگاه نتواند به‌درستی حکم دهد، زحمت‌های دادسرا نیز بی‌نتیجه خواهد بود.